

مقایسه سیاست‌های اقتصادی امام خمینی (س)

با پیامبر (ص) و امام علی (ع)

مژگان رکن‌الدینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب

اسلامی، تهران، ایران

mohajer4787@gmail.com

حمید بصیرت‌منش

استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

basirat1341@yahoo.com

چکیده: پژوهش حاضر به صورت توصیفی به آرا و نظرات دوره ده ساله رهبری امام خمینی و مقایسه آن با سیاست‌های اقتصادی دوران حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) پرداخته است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که سیاست‌های اقتصادی دوران ده ساله رهبری امام خمینی با سیاست‌های اقتصادی دوران حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) چه نسبتی دارد؟ و بر این مدعاست که هر سه حکومت شیوه تسویه‌ای را در برنامه خود داشته‌اند.

یافته این پژوهش نشان می‌دهد که امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، الگوی جمهوری اسلامی را برگرفته از حکومت صدر اسلام می‌داند و در معرفی الگوی انقلاب اسلامی به حکومت موفق صدر اسلام اشاره می‌کند و تمام هدف خود را از تشکیل حکومت برقراری عدالت اجتماعی می‌داند. بنابراین طبق بررسی‌های انجام شده هدف هر دو حکومت برقراری عدالت اجتماعی در جامعه بوده هر چند این دو حکومت از نظر زمانی و مکانی و بافت جامعه، ساختار و نوع حکومت و تأمین منابع مالی و روش‌های اقتصادی با هم تفاوت دارند. اما از نظر محتوایی هر دو حکومت یک راه را دنبال می‌کردند و با توجه به یافته‌های به دست آمده، پژوهش مدعای خود را اثبات می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست مالی، پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام خمینی، بررسی تطبیقی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از تأثیرگذارترین انقلاب‌های بزرگ در جهان و خصوصاً در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. این انقلاب برگرفته از یک الگوی مذهبی و شیوه حکومت‌داری اسلامی بود. این پدیده بزرگ تأثیرات بسیار زیادی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به همراه داشت. چنین حرکتی که توانست حکومت پهلوی را که پشتوانه‌های محکمی از قدرت‌های غربی برای خود ایجاد کرده بود سرنگون سازد، طیف‌ها و دسته‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی نقش مهمی داشته‌اند. بدون شک نقش رهبری مقتدر و مردمی یکی از مهم‌ترین رکن‌های پیروزی این انقلاب می‌باشد. یکی از قسمت‌هایی که تحت روند این پدیده قرار می‌گیرد بخش اقتصادی جامعه است. اقتصاد ایران در هر مرحله که از شروع آن می‌گذرد دارای فرازونشیب‌های زیادی بوده است. اقتصاد یکی از مهم‌ترین ارکان‌های هر حکومت می‌باشد که تمامی معادلات سیاسی و اجتماعی و... جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

با وقوع انقلاب اسلامی تغییر و تحول بسیار زیادی در سطح جامعه خصوصاً نظام اقتصادی پیش آمد، نوع نگاه رهبر جامعه اسلامی با حاکمان پیشین ایران کاملاً متفاوت بود. ایشان معتقد بودند اسلام دارای نظامی خاص است که می‌تواند جهشی ایجاد کند، مردم را منسجم کند و آنها را به هدفی که دنبال می‌کنند برساند با چنین نگرش و دیدگاهی از سوی رهبر انقلاب مسلماً الگو برداری ذهن انقلابیون به سوی الگو حکومتی صدر اسلام پیش می‌رود و بهترین مدل برای این الگو حکومت پیامبر^(ص) و حکومت علوی است.

لازم به ذکر است این مقاله رویکرد مقایسه‌ای دارد به خاطر اینکه امام علی مدعی پیروی از سیره پیامبر^(ص) است و امام خمینی هم مدعی پیروی سیره و سنت آن دو بزرگوار است و کاملاً در چهارچوب تاریخی کار شده و اقتصادی نیست و فقط رویکردهای کلی را دنبال می‌کند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با سیاست‌های مالی پیامبر (ص) و حضرت علی و امام خمینی پژوهش‌های بسیار زیادی صورت گرفته است. ولی در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به صورت مستقل به مقایسه این سیاست‌ها و نوع درآمدهای دو حکومت نپرداخته‌اند و این موضوع را با این مسأله مورد بحث و تحلیل قرار نداده‌اند. برای نمونه می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

«بررسی مقایسه‌ای درآمدهای عمومی در صدر اسلام با امروز»؛

«نگاهی به سیره اقتصادی رسول خدا»؛

«مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی امام علی با تکیه بر نهج البلاغه»؛

«مهندسی اقتصادی حکومت نبوی»؛

«عدالت اقتصادی امام علی (ع)»؛

«سیره پیامبر اکرم در بیت‌المال»؛

«وضع اقتصادی مدینه در عصر نبوی»؛

«سیاست مالی و اداری پیامبر (ص) در مدینه و زمینه شکل‌گیری بیت‌المال»؛

«امام علی (ع) دولت و سیاست‌های اقتصادی»؛

«امام علی (ع) و اصلاحات اقتصادی»؛

بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (مجموعه مقالات دومین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی...).

مقایسه سیاست‌های اقتصادی امام خمینی با پیامبر (ص) و امام علی (ع)

منابع مالی دولت نبوی

غنائیم: تا قبل از شروع غزوات در آمد مسلمانان همچنان ناچیز بود. اما با شروع جنگ‌ها غنائیم به دست آمده نشان دهنده بهتر شدن اوضاع اقتصادی در مدینه است. از جمله این

غنائیم می‌توان به غنائیم سریه عبدالله بن جحش، بنی قینقاع، بدر، سویق، بنی نضیر، بنی قریظه، خیبر، حنین، تبوک و... اشاره کرد (واقعی، بی تا، ج ۱: ۱۴۳؛ ابن هشام، ۱۳۷۵).

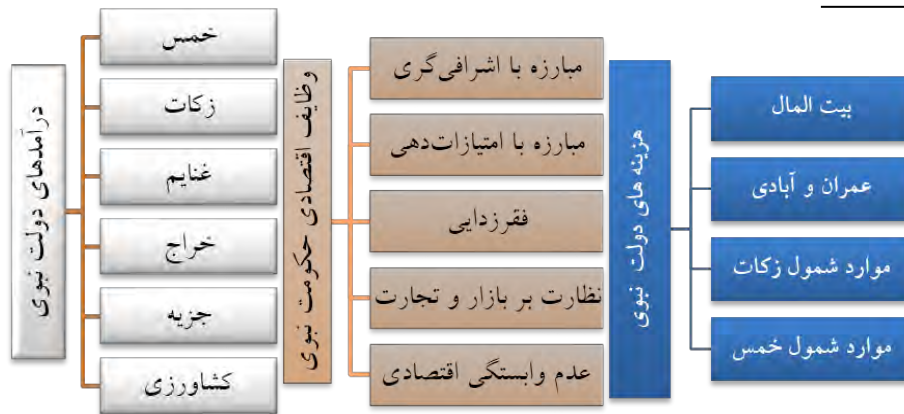
زکات: پیامبر (ص) حکم پرداخت زکات را به عنوان یک حکم تخلف ناپذیری اعلام و در مرحله اجرا گذاشتند. زکات در واقع همان درآمدی بود که اسلام به عنوان حق فقرا در اموال ثروتمندان قرار داده بود. خداوند در آیات ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷ سوره بقره و آیات ۷۷ و ۱۶۲ سوره نساء و همچنین آیه ۵ سوره توبه پرداخت زکات را به عنوان یک وظیفه عبادی مطرح می‌کند. پیامبر (ص) به کارگزاران خود دستور دادند که اعلام کنند خداوند زکات را بر شما همچون نماز واجب کرده است و آن را بر شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش قرار داده است (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۵۸-۳۶۰؛ اجتهادی، ۱۳۶۳: ۹۷) برای جلوگیری از هرگونه فساد رسوایی رسول خدا ماموران دریافت زکات را از عادل‌ترین و شایسته‌ترین افراد انتخاب می‌کردند و تأکید داشتند محاسبه باید به صورتی انجام شود که حق زکات دهندگان ضایع نشود.

خمس: وضع این قانون که بعد از جنگ بدر و با توجه به آیه ۴۱ سوره انفال اتفاق افتاد یکی از نظام‌های مالیاتی دولت نبوی قرار گرفت با توجه به نیازهای شدید اقتصادی مسلمانان بعد از جنگ بدر پیامبر (ص) غنائیم را بین مردم تقسیم کردند. اما خمس تنها به غنائیم جنگی تعلق نمی‌گرفت و این گونه نبود که فقط متعلق به غنائیم جنگ بدر باشد بلکه مسلمانان باید خمس تمامی غنائیم جنگی را به عنوان یک اصل دائمی به پیامبر (ص) می‌پرداختند و نه تنها غنائیم بلکه جنگل‌ها، معادن، زمین و... خمس تعلق می‌گرفت. اولین خمسی که دریافت شد متعلق به جنگ بنی قینقاع بود. در مجموع اصل مالکیت در غنیمت از آن رسول خداست که خدا و رسول خدا چهار پنجم آن را در اختیار جهادکنندگان قرار می‌دادند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۹۵). خمس از جمله مالیات‌هایی بود که فقط مسلمانان باید آن را پرداخت می‌کردند که با توجه به تدابیر پیامبر (ص) مقدار خمس‌های دریافتی به اندازه‌ای زیادی شده بود که برای دریافت آن ماموران خاصی را تعیین کرده بودند.

جزیه: یکی از مهم‌ترین اصول دین اسلام، احترام به آزادی سایر ادیان آسمانی بود. به همین جهت، اسلام تا جایی که ممکن بود از در مسالمت وارد می‌شد. کسانی که دین اسلام را نمی‌پذیرفتند، می‌توانستند با پرداخت مالیاتی به نام جزیه و رعایت بعضی از مقررات مخصوص اهل ذمه، علاوه بر باقی ماندن بر دینی که داشتند، مال و جان و ناموس خود را نیز در حمایت مسلمانان قرار دهند (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۸۳). خداوند با توجه به آیه ۲۹ سوره توبه اجازه داد از اهل کتاب هر کس می‌خواهد بر دین خود باقی بماند باید جزیه بپردازد. جزیه به صورت مالیات سرانه بود و هر فرد مجبور بود برای اینکه از حمایت مسلمانان برخوردار باشد و برای حفظ عقیده خود مقدار جزیه معین شده را بپردازد. جزیه دهندگان علاوه بر پرداخت جزیه باید مواردی را نیز رعایت می‌کردند: ۱. به قرآن توهین نکنند؛ ۲. به پیغمبر بد و ناسزا نگویند؛ ۳. به زنان مسلمان تعرض نکنند و با آنها ازدواج نکنند؛ ۴. در صدد گمراهی مسلمانان و تعرض به جان و مال آنها نباشند و از اسلام به بدی یاد نکنند (ابن سلام، ۱۳۸۸: ۲۶).

خراج: عبارت از مالیات بر اراضی است که از قدیمی‌ترین انواع مالیات محسوب می‌شود، این مالیات از زمانی که اعتقاد به ملکیت زمین برای سلطان و پادشاه وقت پیدا شد، وجود داشته است. آشنایی مسلمانان با خراج پس از فتح ایران بود و قبل از آن از نظام مقاسمه استفاده می‌کردند، یعنی زمین‌هایی که به دست مسلمانان می‌افتاد در دست اهالی همان زمین باقی می‌ماند و محصول بین آنان و حکومت تقسیم می‌شد چنانچه در مورد اراضی خیبر و فدک پیامبر (ص) چنین عمل کردند (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۱۵-۲۱۷).

هر حکومتی علاوه بر دریافت منابع مالی باید پرداخت‌هایی هم داشته باشد. در بخش هزینه‌ها، دولت با توجه به منابعی که از مردم دریافت می‌کرد متقابلاً هزینه‌هایی را برای جامعه خود پرداخت می‌کرد. برای مثال به عمران و آبادانی، رفع نیاز نیازمندان، درماندگان و مساکین، پرداخت حقوق کارگزاران و بدهی بدهکاران، آزادی بردگان و... می‌پرداخت.



منابع مالی دولت علوی

غنایم جنگی: با توجه به اصلاحات داخلی و تغییراتی که حضرت علی^(ع) در تمامی زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی داشتند زمانی برای لشکرکشی و فتح مناطق جدید وجود نداشت. این مسأله به طور کلی حکومت نوپای علوی را از غنایم که در زمان پیشین مهم‌ترین درآمد دولت محسوب می‌شد محروم کرد. در دوران حکومت حضرت غنایم جنگی تقریباً درآمدی تولید نمی‌کردند؛ زیرا تمامی جنگ‌های آن حضرت جنگ میان دو قبیله و طایفه بود. از طرفی، بر اساس حکم صریح امام اسیری بردن افراد و غنیمت گرفتن اموال پشت جبهه جنگ جایز نبود. اما بعد از اصرار فراوان یارانش به غنیمت بردن اموال حاضر در جنگ از قبیل مرکب و اسب و کالاهای جنگی در میان لشکر دشمن را جایز شمردند، اما این غنایم اهمیت اقتصادی چندانی نداشتند؛ بنابراین نمی‌توان گفت غنایم نقش اساسی را در تعیین درآمد دولت اسلامی حضرت داشتند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۱).

زکات: به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد حکومت علوی بود. که در اندیشه امام علی دارای دو بعد اقتصادی و اخلاقی است. جمع‌آوری آن یکی از مهم‌ترین راهکارها برای فقرزدایی است، امام بنا بر اهمیت خاص زکات و نقش آن در زمینه اقتصادی سعی داشتند مردم را به پرداخت زکات تشویق کنند و فرمودند: پرداخت زکات و اقامه نماز، عامل

نزدیک شدن مسلمانان به خداست. پس کسی که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او می‌شود و نگهدارنده او در مقابل آتش جهنم است، پس نباید به آنچه پرداخته می‌شود با حسرت نگاه کند و افسوس بخورد؛ زیرا آن کسی که زکات را از روی رغبت بپردازد و انتظار بهتر از آنچه پرداخته، داشته باشد به سنت پیامبر (ص) نادان است و پاداش او اندک و عمل او تبه و همیشه پشیمان خواهد بود (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۱۲). همچنین فرمودند: ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۳۳۹).

در زمینه مصرف حضرت همان شیوه را که مصرف زکات جمع آوری شده هر شهری در همان شهر استفاده شود را دنبال می‌کردند. مصارفش هم همان موارد هشتگانه بود. حضرت مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از فقر را پرداخت زکات از سوی افراد توانگر جامعه می‌دانستند و در نامه ۲۵ و ۲۶ نهج البلاغه بر رفتار اقتصادی کارگزاران اشاره کرده‌اند. **جزیه:** در دوران رهبری امام علی در آمد جزیه همچون غنایم با کاهش مواجه شده بود. به علت جدا شدن بخشی از شام و شورش‌هایی در سیستان و خراسان جزیه این مناطق کاهش یافته بود. با اسلام آوردن افراد تحت ذمه آنها نیز از پرداخت جزیه معاف شدند و با تمام این اوضاع امام حال جزیه‌دهندگان را رعایت می‌کردند و از هر گروهی هر کالایی که داشتند را به عنوان جزیه می‌پذیرفتند؛ مثلاً از سوزن ساز سوزن، از سازنده مس، مس، از بافنده ریسمان ریسمان، علت این امر آسان گرفتن بر پرداخت کننده جزیه بود (ابن سلام، ۱۳۸۸: ۶۷). بنابراین جزیه به عنوان منبع مالی نقش چندانی در برطرف کردن نیازهای جامعه همچون گذشته نداشت.

خراج: یکی دیگر از درآمدهای مالی حکومت علوی بود و درآمدهای خراج به لحاظ منبع درآمدی همان منابع خلفای پیشین بودند، اما از نظر خط‌مشی تغییراتی در آن وجود داشت. به علت شورش‌هایی داخلی که وجود داشت این منبع تا حدودی کم شد. نامه ۵۳ نهج البلاغه به خوبی خراج در این دوره را نشان می‌دهد. امام علی مانند گذشته خراج را

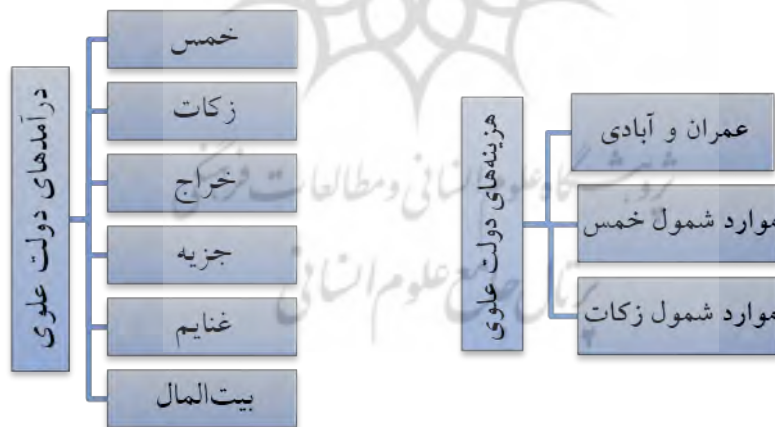
دریافت می کردند و در شیوه گردآوری آن کمال دقت و مدارا را داشتند و در دستوراتی که به کارگزاران خود می دادند این مطلب به خوبی پیداست.

این گونه بود که خراج هر شهر به مصارف آن شهر می رسید و در صورت ازدیاد آن را به مرکز می فرستادند. امام تلاش می کردند گردآورندگان خراج را از هر نوع ظلم و ستمی به رعیت و مردم باز دارند در مورد گردآوری خراج امام به کارگزارانش توصیه هایی داشتند و به آنها می فرمودند: سعی در آبادانی زمین ها و توسعه آن داشته باشید؛ زیرا این سیاست در بلندمدت باعث افزایش درآمد خراج و آبادانی زمین ها و همچنین رضایت خراج دهندگان و اعتماد آنها به خلیفه می شود. امام در نامه ای به مالک اشتر برای دریافت خراج مصر این گونه می نویسد: در کار خراج نیکو نظر کن؛ به گونه ای که به صلاح خراج گزاران باشد. زیرا صلاح کار خراج و خراج گزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال خراج گزاران. زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراج گزارانند؛ ولی باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه آبادی زمین باشی، که خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی. هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا خشک شدن چشمه ها و یا کمی باران، یا دگرگونی زمین در اثر آب گرفتگی و فساد بذرها و یا تشنگی بسیار زراعت و فاسد شدن آن، شکایت نزد تو آورند، از هزینه و رنجشان بگناه، آنقدر که امید می داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید؛ تا اندوخته ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد و تو را به نیکی ستایش کنند و در گسترش عدالت از ناحیه تو با خرسندی سخن گویند. تو نیز خود در این میان مسرور و شادمان خواهی بود. افزون بر آن، تو می توانی با تقویت آنها از طریق ذخیره ای که برایشان نهاده ای اعتماد کنی، و نیز می توانی با این عمل که آنها را به عدالت و مهربانی عادت داده ای، به آنان مطمئن باشی، چرا که گاهی برای تو گرفتاری هایی پیش می آید که باید بر آنها تکیه کنی. در این حال آنها با طیب خاطر، پذیرا خواهند شد و عمران و آبادی تحمل همه اینها را دارد. اما ویرانی زمین را تنگدستی مردم

آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت والیان، همه گرد آورده مال شود و به ماندن خود بر سر کار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود برنگیرند (نهج البلاغه، ۱۳۷۶، نامه ۵۳).

خمس: از دیگر منابع مالی حکومت علوی خمس بود. حضرت همچون پیامبر (ص) معتقد بودند که قرآن حکم خمس و تصدی مصرف آن را مشخص کرده است و علاوه بر آنکه برای اهل بیت به ویژه نیازمندان حق مسلمی در خمس است اعتقاد داشتند خمس باید در دست اهل بیت باشد. اما در زمان امیرالمومنین به دلیل جنگ‌های داخلی خمس غنایم چندانی وجود نداشت. حضرت خمس را در اختیار حاکم اسلامی می‌دانند. در *وسائل الشیعه* در جلد ششم از امام علی نقل شده است: هر گونه غنیمی به دست آوردید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر (ص) و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان است؛ پس یک پنجم غنایم برای خداوند قرار داده شده است (رشاد، ۱۳۶۵، ج ۷: ۳۹۵).

هزینه‌های دولت علوی شیوه دولت نبوی را داشت با این تفاوت که در دوران حضرت علی توجه بیشتری به عمران و آبادانی می‌شد.





منابع مالی جمهوری اسلامی

کشاورزی: بخش کشاورزی بعد از انقلاب از اهمیت و گستردگی خاصی برخوردار بود. چراکه از یک سو تأمین کننده اشتغال مولد در جامعه و از سوی دیگر، تأمین کننده مواد غذایی مورد نیاز جامعه محسوب می شد و در رفاه کشور و شاخص های تغذیه نقش مطلوبی را ایفا می کرد. دولت بیشترین اولویت خود را در سیاست توسعه کشاورزی قرار داد و بالا بردن سطح تولید و محصولات کشاورزی و حصول خودکفایی در زمینه تولید مواد غذایی را به عنوان عمده اهداف اقتصادی دنبال می کرد تحول در بخش کشاورزی طی این سالها چنان چشمگیر بود که کشاورزی علاوه بر تأمین مواد داخلی و نیازهای کشور در ردیف صادرات غیرنفتی قرار گرفت. وابستگی کشور به خارج کاهش یافت و در محصولات کشاورزی مانند گندم، برنج، جو و فرآوردهای شیری و دامی به خودکفایی رسید (دادگر، ۱۳۸۵: ۱۰۵). بعد از پیروزی انقلاب دولت برای حل مشکلات کشاورزی تصمیم به توزیع

عادلانه اراضی کشاورزی گرفت. چند ماه بعد از پیروزی انقلاب در تاریخ ۵۸/۶/۲۵ قانون واگذاری و احیای زمین با همه فرازونشیب‌هایش به تصویب شورای انقلاب رسید. به سبب اعمال سیاست کنترل قیمت در زمینه عرضه، به حمایت از کشاورزان پرداخت (ابریشمی، بی تا: ۱۰-۱۱).

از دیگر فعالیت‌های دولت برای بهبود کشاورزی می‌توان به قانون تأسیس شرکت تولید و توزیع بذر و نهال، قانون اعتبار اسناد عادی وام‌های پرداختی شرکت‌های تعاونی روستایی و...، قانون الزام دولت به منظور تهیه لایحه برنامه افزایش تولید محصولات اساسی کشاورزی، که بر اساس این قانون دولت موظف بود در مدت سه ماه لایحه مربوط به افزایش محصولات کشاورزی از قبیل گندم، برنج، خوراک دام، قندوشکر، پنبه و دانه‌های روغنی، پروتئین‌های حیوانی و گیاهی و توسعه زیر کشت تا مرز خودکفایی را به مجلس ارائه دهد اشاره کرد (مجموعه قوانین دومین دوره مجلس شورای اسلامی، بی تا: ۱۰۰).

امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی با توجه به نابودی کلی زراعت و کشاورزی در دوران پهلوی تأکید داشتند اشخاص در مجالس و مساجدشان برای بهبود اوضاع کشاورزی توصیه کنند، اشخاص به اطراف بفرستند مردم را آگاه به کشت و زرع کنند که احتیاج‌مان از خارج برطرف شود.

کشاورزها در محل کشاورزی که هستند به کشاورزی خودشان علاقه پیدا نکنند. الآن دیگر دستی نیست که آنها را به فشار وادار به امری بکنند یا منافع آنها را بخواهد به واسطه سودجویی خودش بردارد یا به غیر بدهد؛ امروز کسی همچون کاری نخواهد کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۹۴).

نفت: نگاه امام نسبت به نفت این گونه بود که آن را یک ثروت ملی می‌دانستند و معتقد بودند باید به نحوی برای نسل‌های آینده هم باشد و از استخراج بی‌رویه آن جلوگیری کرد و همچنین از بهره‌برداری سایر قدرت‌ها از صنایع نفتی ایران جلوگیری نمود. ایشان در مورد استخراج نفت معتقد بودند تولید نفت باید بر طبق نیاز کشور باشد و توصیه می‌کردند

صادرات نفت باید با توجه به شرایط اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد و همچنین نیاز داخلی را بر صادرات نفت و تأمین نفت مورد نیاز سایر کشورها مقدم می‌دانستند:

ما نه چاههای نفت را می‌بندیم و نه درهای مملکت را به روی خود می‌بندیم و نه کشور را به بازار مصرف هر چه که غرب می‌سازد و می‌خواهد به ما تحمیل کند تبدیل می‌کنیم (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۶۴).

ایشان در رابطه با فروش نفت به سایر کشورها فقط منافع ملی را در نظر داشتند:

ما نفت خود را به امریکا و سایر مشتریان می‌فروشیم، اما نه به شکلی که اکنون عمل می‌شود و کاملاً به ضرر ملت است، بلکه بر اساس رعایت مصالح ملت خودمان و با حفظ استقلال کشور (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۳۳).

جدول زیر نشان دهنده قدرت نفت در صادرات ایران است (بیژه فر، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۸).

سال	حجم صادرات	سهم کل از صادرات	نرخ رشد برای سال بعد
۱۳۵۸	۲۴۱۵۸	۹۶/۷	-۵۱/۸
۱۳۵۹	۱۱۶۴۸	۹۴/۸	-۸/۸
۱۳۶۰	۱۰۶۱۹	۹۶/۹	۱۰۵/۳
۱۳۶۱	۲۱۷۹۸	۹۸/۷	-۳
۱۳۶۲	۲۱۱۵۰	۹۸/۳	-۲۰/۹
۱۳۶۳	۱۶۷۲۶	۹۷/۹	-۱۸
۱۳۶۴	۱۳۷۱۰	۹۶/۷	-۵۴/۴
۱۳۶۵	۶۲۵۵	۸۷/۲	۷۱/۹
۱۳۶۶	۱۰۷۵۵	۹۰/۳	-۱۰/۱
۱۳۶۷	۹۶۷۳	۹۰/۳	۲۴/۴
۱۳۶۸	۱۲۰۳۷	۹۲	۴۹/۵

صنعت: بعد از انقلاب بخش صنعت از جایگاه خوبی برخوردار بود و توجه ویژه‌ای به این بخش می‌شد. در واقع بعد از انقلاب به اصلاح ساختار بخش صنعتی پرداختند. دیدگاه امام به این بخش این گونه بود:

در خصوص صنعتی کردن مملکت، کاملاً با این امر موافقیم ولی ما خواستار یک صنعت ملی و مستقل هستیم که در اقتصاد مملکت ادغام شده و همراه با کشاورزی در خدمت مردم قرار گیرد، نه یک صنعت وابسته به خارج بر اساس مونتاژ؛ نظیر صنعتی که فعلاً در ایران مستقر ساخته‌اند. سیاست شاه از لحاظ صنعتی و کشاورزی، مملکت ما را به نفع قدرتهای استعماری به صورت یک جامعه مصرفی در آورده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۷۰).

از دیگر توجهات جمهوری اسلامی به این بخش اصل ۴۴ قانون اساسی است که بر استقلال و بهبود صنعت و بسیاری از مصوبات مجلس در این دوره به این مورد پرداخته‌اند اشاره کرد.

تجارت: امام خمینی این بخش را به‌عنوان مکمل اقتصاد داخلی دانسته‌اند که در تمامی روابط بر حفظ استقلال تاکید داشتند و هر رابطه‌ای را که دارای منافع متقابل بوده و در جهت رفع وابستگی مؤثر باشد مورد تأیید قرار داده‌اند و بر سیاست توسعه صادرات تأکید نموده‌اند. ایشان تجارت را مطابق با آموزه‌های مذهبی موجب تقویت اقتصاد داخلی دانستند و قوانین مالی اسلام را موافق با تجارت دانسته و معتقد بودند قانون مالی اسلام طوری تنظیم شده که به تجارت و منافع کشور به هیچ وجه آسیبی نمی‌رساند و باعث ترقی کشور می‌شود. همچنین ایشان در این زمینه به نقش دولت اشاره می‌کردند و از مشارکت مردم در تمامی زمینه‌ها خصوصاً تجارت تأکید داشتند. اما در مورد صادرات هیچ‌گونه محدودیتی را در نظر نداشتند و فقط آن را در صورت ایجاد وابستگی مردود می‌شمردند:

ما همان‌طور که از تولیدات داخلی کشور به هر دولتی که مشتری آن باشد می‌فروشیم و صادر می‌کنیم، همان‌طور هم هر چه را که در داخل به آن نیاز داشته باشیم از خارج می‌خریم. ولی در همه این

تجارتهای بر مبنای دو طرف مساوی عمل خواهیم کرد و حاضر نیستیم که دولتی بخواهد مبادلات اقتصادی را اهرمی برای نفوذ سیاسی و تحمیل اغراض استعمارگرانه خود قرار دهد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸۴).

امام مهم‌ترین وظیفه دولت را رفع وابستگی تجاری (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۹۹)؛ برداشتن موانع پیش روی تجارت؛ تشویق تولیدات داخلی در جهت توسعه صادرات؛ گسترش مبادی صدور کالا؛ و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۵۸-۱۵۹) می‌دانستند. در واقع اصل تجارت بر مبنای اندیشه امام این گونه است: آزادی صادرات و واردات تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت، مشارکت مردمی، جلوگیری از غارت منافع ملی نه قطع روابط با جهان و ایجاد تجارت بر اساس عدالت و احترام متقابل. اما در مورد هزینه‌های دولت، می‌توان به عمران و آبادانی، هزینه‌های جنگ و تقویت نیروهای دفاعی کمک به سایر کشورهای مستضعف، اختصاص درآمدهای نفتی به مناطق محروم و امورات فرهنگی اشاره کرد.





با بررسی سیاست‌های اقتصادی حکومت‌ها نوع نگرش اقتصادی رهبران و سیاست‌های اقتصادی آنان نمایان می‌شود. بعد از بررسی درآمدهای مالی برای مقایسه و بهتر بیان شدن مطلب حکومت‌ها بهتر است نگاهی به زندگی این سه رهبر بزرگوار داشته باشیم. جدول زیر شامل ویژگی‌های مشترک شخصیتی پیامبر (ص)، امام علی (ع) و امام خمینی می‌باشد.

اجتناب از ثروت اندوزی	دقت در مصرف بیت المال
پرهیز از تجمل و تشریفات	زهد و بی‌اعتنایی به مادیات
ساده زیستی	قناعت و صرفه جویی
خودداری از رفاه طلبی	دوری کردن از تبلیغات شخصی و جاه و مقام
مردمی بودن	پرهیز از اسراف
پرهیز از امتیاز خواهی	صداقت در رفتار و گفتار

این جدول نشان‌دهنده این است که سه رهبر انقلاب اسلامی ویژگی‌های مشترکی دارند که این امر نشانه از یک تفکر مشترک برای ادامه اداره جامعه است؛ زیرا کسی خود ساده‌زیست باشد به هیچ وجه حکومتی کاخ‌نشین نخواهد داشت و اندیشه‌اش ضداشرافی-گری خواهد بود، با ثروت اندوزی مبارزه خواهد کرد. امام خمینی بارها در کلامشان به ساده‌زیستی و پرهیز از امتیازخواهی و دقت در مصرف بیت‌المال پیامبر^(ص) و امام علی اشاره می‌کردند و تأکید داشتند:

آنان با اینکه ولی امر بوده و حکومت بر مردم دارند رجال الهی هستند، افرادی مادی نیستند تا در پی جمع‌آوری زخارف دنیوی باشند، و اینکه اسلوب حکومت انبیاء غیر از حکومت سلطنتی و حکومت‌های متداول است که برای متصدی خود مایه مال اندوزی و کامرانی می‌شود. وضع زندگی پیغمبر اکرم^(ص) بسیار ساده بود. از مقام و منصب خود به نفع زندگی مادی استفاده نکردند (امام خمینی، بی تا: ۱۰۳).

در جایی دیگر فرمودند:

زام‌دار جامعه اسلامی کسی است که با برادرش عقیل چنان رفتار می‌کند تا هرگز درخواست تبعیض اقتصادی و اضافه‌کمک از بیت‌المال نکند، دخترش را که از بیت‌المال عاریه مضمونه گرفته بازخواست می‌کند و می‌فرماید اگر عاریه مضمونه نبود تو اولین هاشمی‌ای بودی که دستت قطع می‌شد. ما چنین حاکمی و زمامداری می‌خواهیم، زمامداری که مجری قانون باشد نه مجری هوسها و تمایلات خویش، افراد مردم را در برابر قانون مساوی بدانند و آنها را دارای وظایف و حقوق اساسی متساوی، بین افراد امتیاز و تبعیض قائل نشود (امام خمینی، بی تا: ۱۳۱).

مجید انصاری معتقد است امام در مصرف بیت‌المال بسیار سخت‌گیر بودند و دقت بسیار داشتند به گونه‌ای که مسئولان دفتر خود را موظف کرده بودند که مخارج بیت‌المال

را از امور شخصی جدا کنند و نسبت به مخارج بیت‌المال بسیار حساس بودند مخارج منزل امام به هیچ‌وجه کاری به بیت‌المال نداشت ایشان جدولی تنظیم کرده بودند که مسئولان دفتر طبق آن موظف بودند خرید کنند و بارها شده بود که اگر حتی قرص نانی اضافه می‌شد ایشان مسئولان را بازخواست می‌کردند که چرا امروز یک قرص نان اضافه خریداری شده است (انصاری، مصاحبه، ۱۳۹۸/۶/۲۴).

ایشان به شدت از اسراف دوری می‌کردند و در تهیه وسایل خانه همیشه تذکر می‌دادند که به مقدار نیاز خرید کنید. سادگی زندگی امام به قدری زیاد بود که در مراسم چهلم ایشان دو کتیش فرانسوی آمده بودند وقتی حسینیه جماران را دیدند بسیار شگفت زده شدند و تأکید داشتند بگذارید به همین سادگی بماند تا همه دنیا بدانند که ایشان کجا زندگی می‌کردند و کجا از مهمان‌هایشان پذیرایی می‌کردند. امام به قدری ساده‌زیست بودند که حتی اجازه سفیدکاری حسینیه جماران را ندادند و زمانی که اطرافیانشان می‌خواستند دست به تعمیر حسینیه بزنند ایشان تأکید داشتند اگر این کار را انجام دهید من در اینجا نمی‌مانم. امام خود را موظف می‌دانستند نسبت به سایر مردم از امتیاز و حقوق ویژه‌ای برخوردار نباشند و بارها دیده شده بود خود از وسایلی برای زندگی استفاده می‌کردند که در حد توان و قدرت خرید دیگران باشد. پروفیسور مونتلی (فرانسوی) در بیاناتی که درباره امام داشتند به سادگی زندگی ایشان پرداخته و مجذوب این سادگی شده‌اند. ایشان بیان داشتند امام در پاریس یک خانه کوچک داشت در زندگی ایشان فرش یا اشیای گرانبهایی دیده نمی‌شد؛ غذایشان بسیار ساده یعنی مقداری شیر و برنج بود و سبک زندگی امام نه تنها در پاریس بلکه در تهران و قم هم به همین روال بود. در زندگی شخصی خود هیچ امتیازی برتر از دیگران نداشتند. برای نمونه در زمانی که حتی در مرکز درمانی بقیه‌الله بستری شدند پرسیدند آیا از این امکانات افراد دیگر هم می‌توانند استفاده کنند زمانی که با پاسخ مثبت مواجه شدند بسیار خوشحال شدند و اعلام رضایت کردند (بصیرت‌منش و میرشکاری، ۱۳۷۹: ۷۱-۱۹۶).

بیات زنجانی در این زمینه بیان داشتند:

وقتی حاج احمد آقا برای گازرسانی جماران نزد امام آمدند امام بر این نکته تأکید داشتند که همه دارند اگر بقیه دارند ما هم می‌خواهیم. یا در موردی دیگر زمانی که آقای امامی کاشانی زمینی حدود هزار متر بالاتر از خانه امام خریدند امام به ایشان گفت چرا اینجا خریدی؟ فرمودند من نمی‌گویم اینجا نیا وقتی شما آمدید مردم می‌گویند آخوندها قبل از اینکه حکومت پیدا بشه اینجوری نبودند چرا الان اینجوری شدند. این کار حرام نیست اما اخلاقی نیست (بیات زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۸/۴/۲۰).

حسن عارفی می‌گوید مدت ده سالی که به منزل امام به عنوان پزشک مراجعه کردم گاهی اوقات می‌شد که پزشکان دیگر هم برای معاینه به منزل امام می‌آمدند ایشان همیشه تأکید می‌کردند حق ویزیت و مدت زمانی که پزشکان آمده‌اند برای معاینه حتماً پرداخت شود. رفتار و کردار امام به گونه‌ای بود که کسانی که با ایشان رفت و آمد داشتند سبک زندگی علوی را برای آنها یادآوری می‌کرد. سطح زندگی امام از افراد پایین جامعه کمتر بود با اینکه ایشان رهبر جامعه بودند و از نظر سیاسی یک شخصیت جهانی تلقی می‌شدند همراهم امام دائماً بر این امر تأکید داشتند ما همیشه ترس از این را داشتیم مبادا وسیله‌ای بخریم و از نظر امام قیمت آن بالا باشد (بصیرت‌منش و میرشکاری ۱۳۷۹: ۱۳۰). به کارگزاران خود دائماً این ساده‌زیستی را توصیه و تأکید می‌کردند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی تشابهات زیادی با حکومت نبوی و علوی دارد. درست است که از نظر زمانی و مکانی انقلاب اسلامی ایران با حکومت‌های صدر اسلام متفاوت است و فاصله زمانی زیادی دارد. یا حتی از نظر تأمین منابع مالی دولت نبوی و علوی هم باهم تفاوت دارند و جمهوری اسلامی با آنها متفاوت‌تر است با وجود اینکه انفال که منابع مشترک هر دو دوره است باز هم در مواردی که شامل انفال می‌شد تفاوت است، مثلاً درآمدهای نفتی که در این زمان وجود دارد در دوران پیامبر (ص) یا حضرت علی چنین منبع درآمدی برای دولت وجود نداشت. حتی قانون مالیات با اینکه در ظاهر تقریباً یکی بودند اما تفاوت‌های زیاد داشتند، یا غنایمی که در دولت‌های صدر اسلام نقش

اساسی داشت خصوصاً در دوران پیامبر (ص) در دوران انقلاب اسلامی ایران نقش آنچنانی نداشت و اصلاً جزو منابع مالی دولت به گونه‌ای که در صدر اسلام بود محسوب نمی‌شد. یکی دیگر از افتراقات جمهوری اسلامی ایران با حکومت‌های صدر اسلام در ساختار حکومت است به طوری که حکومت خود پیامبر (ص) با امام علی هم از نظر ساختاری متفاوت بودند در دوران پیامبر (ص) با توجه به امکانات و شرایطی زمانی ساختار حکومت به صورت کاملاً ساده بود. اما در دوران حضرت علی شاهد تغییر و تحولاتی در این عرصه هستیم ساختار حکومت پیچیده‌تر از قبل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با توجه به بعد زمانی و مکانی از نظر ساختاری فاصله بسیار زیادی با حکومت‌های صدر اسلام دارد اصلاً شکل و ساختار نوع حکومتی کاملاً متفاوت و پیچیده‌تر است؛ ما در دوران انقلاب اسلامی شاهد نهادهای مختلفی از قبیل ریاست جمهوری و نهادهای مختلف هستیم که در دوران صدر اسلام چنین نهادهایی نبودند. اصلاً نوع جغرافیای حکومتی صدر اسلام با جغرافیای جمهوری اسلامی متفاوت است بافت‌های جامعه کاملاً متفاوت حکومت‌های صدر اسلام کاملاً سنتی، جمهوری اسلامی مدرن، نحوه تجارت و دادوستد با توجه به بافت جامعه کاملاً متفاوت بود. در صحبت‌های امام هم شاهد چنین تفاوت‌هایی در نوع تجارت، گستردگی آن و واردات‌های انجام شده هستیم، ولی با وجود تمام این تفاوت‌ها در اجرای اصول هر دو حکومت پیرو یک قانون بودند.

اما با وجود این اختلاف‌ها باورها و عملکردها و اندیشه‌های رهبر حکومت اسلامی ایران کاملاً برگرفته از حکومت صدر اسلام است. از مهم‌ترین تشابهات جمهوری اسلامی با حکومت نبوی و علوی از حیث وجودی دو حکومت است. حکومت پیامبر (ص) هم از نظر زمانی و مکانی محدودیت‌هایی داشت؛ مثل انقلاب اسلامی ایران از جهت استقرار حکومت هم همچنین، حکومت صدر اسلام پیامبر (ص) درست در زمانی روی کار آمد که اجرا کننده فرمایشات الهی باشد و زمانی که مردم از ظلم و ستم قریش و اشراف به تنگ آمده بودند، فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر زیاد شده بود درست در این زمان بود که

پیامبر^(ص) مردم را به ارزش‌های اسلامی و حکومت عدل دعوت کرد که در این راه سختی-ها و خون‌های زیادی ریخته شد.

حکومت علوی، بعد از پیامبر^(ص) آموزه‌های دین اسلام آنچنان که بود اجرا نمی‌شد در زمان خلیفه سوم بحث استفاده از بیت‌المال و امتیازدهی و فاصله طبقاتی که در جامعه وجود داشت مردم را بسیار از حکومت ناراضی کرده و ظلم و ستم رواج پیدا کرده بود. امام علی^(ع) در شرایطی جامعه‌ای را در دست گرفتند که عدالت اجتماعی در آن نبود و با گرفتن حکومت شروع به اصلاحاتی کردند. امام خمینی نیز در شرایطی اقدام به تأسیس حکومت اسلامی کردند که جامعه از بی‌عدالتی و فساد و فحشا موج می‌زد جامعه‌ای که در آن هیچ‌گونه عدالت اجتماعی وجود نداشت و همه امتیازات در دست خاندان پهلوی و هواداران‌شان بود و فاصله طبقاتی‌اش زیاد شده بود؛ پس در چنین شرایطی بود که امام به برپایی حکومت اسلامی اقدام کردند. از طرفی، هر دو حکومت مشکلاتی از قبیل رویارویی با منافقین و جنگ همراه بودند و از نظر نوع عملکرد هر دو حکومت یک هدف را دنبال می‌کردند و آن هم اجرای عدالت اجتماعی و امکانات مناسب برای زندگانی همه اقشار جامعه بود بدون در نظر گرفتن امتیاز خاص برای گروهی.

امام خمینی با ایجاد جمهوری اسلامی الگو و سرمشق خود را در تمام ابعاد با توجه به قوانین اسلام در واقع برگرفته از حکومت پیامبر^(ص) و دولت علوی ارائه داده‌اند به گونه‌ای که در سخنرانی‌هایشان و در مصاحبه‌هایی که داشتند آرزوی تحقق عدالت علوی را داشتند. همان‌گونه که در حکومت‌های نبوی و علوی هدف از ایجاد حکومت مبارزه با هر گونه ظلم و ستیز و جلوگیری از چپاول و زورگویی و خودکامگی دیگر حکومت‌ها بود، جمهوری اسلامی درست همین هدف را دنبال می‌کرد. امام حتی در ویژگی‌های فردی خود هم پشت سر پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) قدم گذاشته‌اند حاکم سرزمین اسلامی که مانند دو حاکم صدر اسلام با هر گونه تجمل و اسراف و امتیازدهی و موارد بالا مخالف بودند مسلماً در حکومت خود دنبال برقراری عدالت اجتماعی بودند. حکومت اسلامی از دید امام خمینی که برگرفته از حکومت‌های صدر اسلام است این است حکومتی که بر اساس

عدل و داد و قسط باشد به گونه‌ای که تمام وجودی این حکومت برگرفته از عدالت باشد و تأکید دارند وقتی ما می‌گوییم حکومت اسلامی می‌گوییم حکومت عدالت ما می‌گوییم یک حاکمی باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند ما این حکومت را مد نظر داریم و به همگان عدالت را سفارش می‌کردند. هدف از انقلاب همان هدف پیامبر (ص) و امام علی (ع) یعنی احیای اسلام و اجرای احکام اسلامی عدالت اجتماعی ... است.

ایشان بیان داشتند شما انقلاب اسلامی کرده‌اید که اسلام را ترویج دهید و احکام اسلام را پیاده کنید. در سخنرانی‌هایی که با کارگزاران دولت داشتند به حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) اشاره می‌کردند مخصوصاً در مواجهه با مصرف بیت‌المال و تأکید داشتند حکومت امیرالمومنین و وضع حکومت او را در نظر بگیرید و کسانی که در حکومت و دستگاه‌های دولتی هستند سیره آن بزرگوار را در نظر بگیرید و ببینید که باید چکار کنند، البته قدرت اینکه کسی آن طور عمل کند ماها نداریم. فرمایشات حضرت امیر را دستوری برای کسانی که در ارکان حکومت هستند می‌دانند که در مصرف بیت‌المال تجاوز نکنند بیت‌المال مسلمین باید صرف مسلمین شود و برای مسلمین است وزارتخانه‌ها وقتی می‌بینند کارمند بیت‌المال هستند و از آنجا حقوق می‌گیرند مسائلی که حضرت امیر بر آن اشاره دارند را اجرا کنید که دستور اسلام است. امام خمینی به عنوان رهبر جامعه خودشان سرمشق این راه بودند. ایشان برای کارگزاران دولت حتی در مصرف کاغذ و قلم طبق فرمایش امیرالمومنین سفارش می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۳۷۴-۳۷۵).

ایشان ریشه بی‌عدالتی‌ها را در حکومت‌های فاسد دانسته و اولویت تصمیم‌های حکومت اسلامی را در راستای خدمت به محرومین و دستیابی به عدالت می‌دانند. حکومت اسلامی را حکومت عدل می‌دانند که دیگر دل و دزدی در آن نباشد و نیست و معتقد بودند که اگر یک حکومت صحیح عدل پیدا شود همه چیز ما اداره می‌شود. در راس برنامه‌های دولت را رفاه برای تمامی اقشار و عدم امتیاز خواهی بر سایرین مطرح کرده و تأکید داشتند برنامه دولت اسلامی آن است که همه بشر به سعادت برسند و همه به طور سلامت و رفاه زندگی کنند، برنامه جمهوری اسلامی این است که با همه قشرها با عدالت

رفتار کند و امتیازی به قشرها ندهد مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند (موسایی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۴).

حکومت مد نظر امام حکومتی است که در اصل و اجرای قوانین اش از حکومت الهی و صدر اسلام دم می زند. به گونه ای که در مسائل اقتصادی اش برای بهتر شدن اوضاع اجتماعی چند بند در قانون اساسی اش جای داده است، که حاصل تفکر امام و برگرفته از مسائل اقتصادی صدر اسلام است، برای مثال اصل ۴۳ قانون اساسی برای تأمین استقلال جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیاز انسان در جریان رشد با حفظ آزادی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار است:

۱. تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای تمامی اقشار؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن با اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادرند کار کنند ولی وسایل کار ندارد در شکل تعاونی از راه وام دادن بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز ثروت در دست خاصی منتهی نشود و نه دولت را به صورت یک کارفرما بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور افزایش مهارت و ابتکار داشته باشند.

۴. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛

۵. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛

۶. تأکید بر افزایش تولید کشاورزی - دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۷. رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد؛

۸. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد.

یا در اصل ۴۵ به انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده معادن دریاها و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین گرفته شده در اختیارت دولت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل شود.

اصل ۴۸ قانون اساسی به موارد زیر اشاره دارد:

۱. رفع هرگونه تبعیض در استفاده از مناطق مختلف کشور از منابع طبیعی و سرمایه

ملی؛

۲. فراهم کردن زمینه رشد همه مناطق متناسب با استعدادها با حفظ رقابت سازنده؛

۳. توزیع مناسب فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف کشور.

اصل ۴۹ قانون اساسی: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

در اصل ۵۱ قانون اساسی این گونه بیان می‌شود: هیچ‌گونه مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون و موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود. اصل سوم قانون اساسی شامل مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و... می‌باشد و بند ۹ آن از رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی اشاره دارد. بند دوازدهم به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه می‌باشد.

امام دائماً برای رفاه حال محرومین و اقشار کم در آمد جامعه تأکید داشتند:

ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی

معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج

دارید. معنویات ما را بردند اینها. دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم؛ شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. اینها شما را منحط کردند؛ این قدر دنیا را پیش شما جلوه دادند که خیال کردید همه چیز این است. ما، هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را. یکی از اموری که باید بشود همین معناست که خواهد شد. این دارایی از غنایم اسلام است و مال ملت است و مستضعفین. و من امر کرده‌ام به مستضعفین بدهند، و خواهند داد. و پس از این هم تخفیفهای دیگر در امور خواهد حاصل شد؛ لکن یک قدری باید تحمل کنید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۲۷۳).

تمام اصول نام برده در راه اجرا و رفاه عمومی مردم جامعه و برپایی عدالت در نظر گرفته شده است. هر چند راه‌هایی برقراری عدالت اجتماعی در دوره‌های مطرح شده متفاوت اند اما هدف یکی است و آن هم عدالت اجتماعی برای تمامی اقشار. عدالت اقتصادی در هر دو دوره با هم متفاوت اند اما از نظر محتوایی و هدف یکی هستند و نگاه به عدالت اجتماعی یکی است، که هر دو حکومت یک هدف را اجرا می‌کنند.

یکی از بزرگ‌ترین اهداف و آرمان‌های حکومت پیامبر^(ص) عدالت اجتماعی بود. به گونه‌ای که ریشه کن کردن فقر مهم‌ترین عامل برای رهایی از این امر بود. در این رابطه و در حکومت خود همواره مستضعفین مورد احترام و تکریم بودند پیامبر^(ص) می‌فرماید روزی تهیدستان در اموال ثروتمندان است؛ پس اگر گرسنه و برهنه بمانند و فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به سبب آنکه ثروتمندان حق او را بازدارند. همچنین امام علی عدالت را بزرگ‌ترین آرمان حکومت خود قرار داده‌اند به گونه‌ای که در خطبه ۲۲۴ می‌فرمایند: به خدا قسم سوگند اگر تمام شب را بر روی خار سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این و آن سو کشیده شوم خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبر^(ص) را در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده یا اموال عمومی را غصب کرده باشم. امام خمینی هم در واقع

بزرگ‌ترین آرمان حکومتش عدالت اجتماعی بود و حمایت از محرومین و مستضعفین تا آنجا که یک تار موی کوخ‌نشینان را به یک تار کاخ‌نشینان ترجیح نمی‌دهند و این انقلاب را مدیون همین گروه‌ها می‌دانند و تمام مسئولین را به پشتیبانی این گروه فرامی‌خواند.

بیانات امام و استفاده کردن از الفاظش نشان‌دهنده این امر است همین الفاظی که به کار می‌برند استفاده از کاخ‌نشینان و کوخ‌نشینان. خواهران و برادران عزیزانم. مستضعفین و امثال اینها. یا امام علی و پیامبر (ص) هم از چنین تعبیری استفاده می‌کردند. یا با صمیمیت تمام با صحابه و یارانشان صحبت می‌کردند و کلام این بزرگواران از نفوذ بسیار زیادی برخوردار بود در میان مردم و روش‌هایی حکومتی‌شان هر سه رهبر جامعه یکی بود امام خمینی تأکید می‌کردند که باید ادامه‌دهنده راه و سیره پیامبر (ص) و حکومت علوی باشند و تأکید داشتند سیره حکومتی آن بزرگواران الگویی برای تمام حکومت‌ها در طول تاریخ است. سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع) را حلال بسیاری از مشکلات می‌دانستند که در نتیجه می‌تواند امنیت را در جامعه برقرار کند.

اما از نظر اقتصادی سیستم اقتصادی پیامبر (ص) و امام علی به صورت تسویه‌ای بود و کاملاً مساوات را حتی در جنگ یا در تقسیم بیت‌المال و... تمامی امور رعایت می‌کردند، امام خمینی هم بر چنین سیستمی پایبند بودند و در امورات خود سیستم تسویه را در پیش می‌گرفتند مگر در یک مورد آن هم قائل شدن امتیازی برای خانواده شهدا دفاع مقدس. به اعتقاد نویسنده تغییر در ساختار حکومت‌ها و فاصله زمانی ممکن می‌تواند دلیل این تفاوت باشد و حتی نوع جنگ اینکه هیچ‌کدام از جنگ‌های صدر اسلام به مدت هشت سال نبودند و نوع خسارتی که در جنگ‌های این دو دوره بود با هم متفاوت‌اند. جنگ‌های صدر اسلام معمولاً در مکان‌هایی خاصی برگزار می‌شد و هیچ‌گاه خسارات ناشی از این جنگ‌ها به پای جنگ تحمیلی نمی‌رسد و قابل قیاس نیست.

در نتیجه راه و کلام امام یکی بود ما امام را در دو دوره زمانی می‌توانیم بینیم یکی ۴۲ تا ۵۷ امامی که قدرت تام نداشت، ۵۷ تا ۶۷ امامی که تمامی اختیارات را در دست داشت که در این دو برهه زمانی شاهد این هستیم چه در زمانی که قدرت در دست داشتند و چه

در زمانی که قدرت نداشتند حرف و رفتار ایشان تغییری نکرد و عوض نشد؛ پس اگر کارهایی بوده برخلاف رفتار ایشان بوده اگر ایشان زنده بودند مطمئناً جلو آن را می گرفتند بهترین شاهد من به عنوان نسلی که امام را ندیده صحبت‌ها و سخنرانی‌ها و حتی رفتار خود امام است و اینکه اگر ایشان طرحی مدنظرشان بود و آن را گفته بودند مثل جریان آب و برق مجانی برای نیازمندان این اگر اجرا نشد به این معنا نیست که این فرمایش امام صرفاً وعده‌ای باشد برای برانگیختن مردم و اصل هدف امام زیر سؤال نمی‌رود امام به عنوان زمامدار حکومت اسلامی این هدف را داشت ولی اینکه اجرا نشد دلیل بر این نیست که تناقضی در رفتارهای قبل و یا حرف‌های قبل و بعد از قدرت ایشان وجود دارد این یک امر مهم است که رهبر یک جامعه همچنین هدفی را در ذهنش پیروانند و این توصیه را به دولتش داشته باشد این خود رویکرد مهمی تلقی می‌شود و یا حتی فتوایی که می‌دادند خود نشانه‌ای از عدالت بود اما شرایط اجازه اجرای آن را ندهد. امام حکومت دراز مدتی نداشتند که بتوانند اهداف خود را به صورت جزئی عملی کنند بلافاصله ما بعد پیروزی انقلاب درگیر جنگ با عراق هستیم که تمام تمرکز کشور روی جنگ است و از طرفی درگیر ترورهای شخصیت‌های افراد تأثیرگذار در انقلاب بودیم درواقع امام به تشبیت انقلاب پرداختند تا اجرای اهداف اقتصادی و بعد از پیروزی در جنگ امام عمری نمی‌کنند که اهداف خود را پیاده کنند. اما در همین مدت کوتاه ما شاهد بر اجرای عدالت در جمهوری اسلامی در دوران رهبری ایشان هستیم به گونه‌ای که فتوا می‌دادند و دائماً به کارگزارانشان توصیه می‌کردند. خود پیامبر^(ص) و امام علی هم فرصت طولانی برای اداره حکومت نداشتند هر کدام از این بزرگواران اگر فرصت بیشتری داشتند کارهای بسیار بزرگ‌تری انجام می‌دادند. پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) و امام خمینی هر سه شخصیت عدالت‌گری بودند اما شرایط اجازه اجرای عدالت به صورت تام را به هیچ‌کدام از رهبران نداد به گونه‌ای که در زمان خود پیامبر^(ص) و امام علی هم عدالت اجتماعی به صورت کامل اجرا نشد.

ویژگی‌های مشترک دو حکومت

توجه با اقشار مستضعف جامعه	برپایی عدل و قسط در جامعه	ایجاد عدالت اجتماعی
ساده زیستی	قاطعیّت در گفتار	حق مداری
استقلال اقتصادی	رابطه با کارگزاران	نظارت بر کارگزاران
امنیت اقتصادی	احیای اسلام و اجرای احکام اسلامی	عزل برخی کارگزاران
پرهیز از امتیاز دهی	تشویق و تنبه کارگزاران	همدردی با مردم
مبارزه با فقر	تشویق به کار	برگرداندن اموال اختلاس شده
توجه به عمران و آبادانی	انتخاب افراد شایسته	توجه به بازار
خود کفایی اقتصادی	مبارزه با اشرافی‌گری	اشتغال‌زایی
نفی احتکار	نفی کم‌فروشی	نفی ربا

فرصت‌ها و مزیت‌های دو حکومت

دوره امام خمینی	دوره پیامبر (ص) و امام علی (ع)
درآمد نفت	غنایم
موقعیت بین‌المللی منجر به درآمد نفت	جمعیت کم
ظرفیت‌های اقتصادی	منطقه جغرافیایی وسیع برای اخذ خراج
الگو برداری از قوانین صدر اسلام	کارگزاران حکومتی
کارگزاران حکومتی	وجود کعبه
	قوانین و احکام فراگیر

مشکلات و موانع دو حکومت

دوران پیامبر(ص) و امام علی(ع)	دوران امام خمینی
مقاومت قبایل	جنگ تحمیلی و اختصاص درآمد نفت به جنگ
درگیری اشراف	بحران‌های حکومتی
جنگ	جمعیت بیشتر
	بحران‌های سیاسی و تنش‌های قومی
	تحریم‌های اقتصادی
	نداشتن غنایم
	اختلاف نظر دولتمردان بر سر مسائل اقتصادی
	روابط سیاسی ناپایدار

مدل‌های زیر این تشابه و تفاوت را بهتر نشان می‌دهند.

تباین: جمهوری اسلامی ایران با حکومت صدر اسلام حالت تباین را ندارد. یعنی این‌گونه نیست که در هیچ موردی با هم شباهت نداشته باشند.

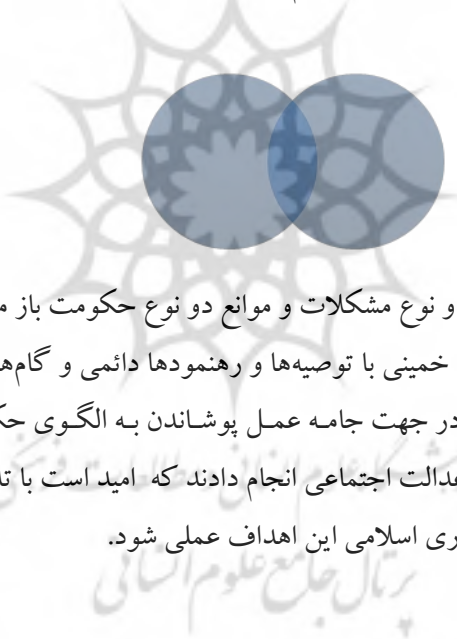


تساوی: جمهوری اسلامی ایران در همه موارد عیناً شبیه به حکومت‌های صدر اسلام نیست و نسبت تساوی تام را نمی‌توان برای آن به کار برد. دولت‌ها شامل دو بخش عملی و نظری هستند. امام خمینی از نظر ایده و پایه‌ریزی انقلاب کاملاً شبیه به حکومت‌های صدر اسلام عمل کرده است (بخش عملی) اما از نظر ملاک‌های اقتصادی حکومت جمهوری اسلامی ایران با حکومت‌های قبل تفاوت‌هایی دارد (بخش نظری). در بخش عملی دولت

جمهوری اسلامی ایران مطابق با دولت صدر اسلام است اما در معیارهای عملی به صورت صددرصد نمی‌توان این را گفت.



عموم و خصوص من وجه: در بعضی از عملکردها جمهوری اسلامی (دوره رهبری امام خمینی) ایران شبیه به حکومت صدر اسلام است و در بعضی موارد افتراق وجود دارد که به



منابع درآمدی و هزینه‌ای و نوع مشکلات و موانع دو نوع حکومت باز می‌گردد. بر اساس یافته‌های این پژوهش امام خمینی با توصیه‌ها و رهنمودها دائمی و گام‌های عملی در ایجاد سازمان‌ها، تلاش فراوانی در جهت جامه عمل پوشاندن به الگوی حکومتی پیامبر (ص) و حضرت علی و برقراری عدالت اجتماعی انجام دادند که امید است با تداوم این سیاست‌ها از سوی دولت‌های جمهوری اسلامی این اهداف عملی شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به سیاست‌های اقتصادی دوران ده ساله رهبری امام خمینی و نسبت آن با سیاست‌های اقتصادی دوران پیامبر (ص) و امام علی پرداخته است. در واقع به دنبال سؤال اصلی خود یعنی سیاست‌های مالی دوره ده ساله رهبری امام خمینی با سیاست‌های مالی

دوران پیامبر (ص) و امام علی (ع) چه نسبتی دارد؟ با توجه به مدعای مطرح شده که سیستم تساوی در هر دو حکومت پیاده شده به این پژوهش پرداخته‌ایم.

دو حکومت مطرح شده با توجه به همه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که از نظر زمانی و مکانی و نوع درآمدها و هزینه‌هایی که دارند پیرو یک سیستم برای اجرای عدالت اجتماعی برای همه اقشار جامعه هستند و تمام هدف خود را از ایجاد حکومت همین اصل مطرح می‌کنند به گونه‌ای که تمام فعالیت‌هایی که در این مسیر انجام داده‌اند از قبیل عدالت اقتصادی، آزادی اقتصادی، رفع فقر و محرومیت زدایی و... برای تحقق این امر بود. اما با توجه به همه تلاش‌های رهبران دو حکومت، در حکومت‌های صدر اسلام و جمهوری اسلام ایران در دوران رهبری امام خمینی عدالت اجتماعی مدنظر رهبران به گونه‌ای که خودشان خواستارش بودند به خاطر مشکلات زمانی که داشتند اجرا نشد.

منابع

- آژینی، محسن. (۱۳۷۴) *اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ابریشمی، حمید. (بی تا) *اقتصاد ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. (۱۳۷۹) *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ابن سلام، ابی عبید قاسم. (۱۳۸۸) *الاموال*، تحقیق محمد خلیل هراس، بی جا: المكتبة الأهرية للتراث.
- ابن هشام. (۱۳۷۵) *زندگانی پیامبر (ص) اسلام سیره النبویه*، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ پنجم.
- اجتهادی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳) *وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره اموی*، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- انصاری، مجید. (۱۳۹۸/۶/۲۴) *مصاحبه*، تهران.

- بصیرت‌منش، حمید و اصغر میرشکاری. (۱۳۷۹) آئینه حسن: خاطراتی از ویژگی‌های ممتاز امام خمینی در امور فردی و اجتماعی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بیات زنجانی، اسدالله. (۱۳۹۸/۴/۲۰) مصاحبه، قم.
- بیژن فر، علی. (۱۳۸۸) کابینه دوم میرحسین موسوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، (امام) روح‌الله. (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- ----- (بی تا) ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- دادگر، حسن. (۱۳۸۵) اقتصاد ایران قبل و بعد انقلاب، تهران: اندیشه جوان.
- رشاد، علی اکبر. (۱۳۶۵) دانشنامه امام علی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۸) تاریخ اسلام در صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: انتشارات سمت.
- مجموعه قوانین دومین دوره مجلس شورای اسلامی. (بی تا) اداره کل قوانین، تهران: اداره کل امور فرهنگ و روابط عمومی.
- موسایی، میثم. (۱۳۸۶) امام خمینی دولت و اقتصاد، تهران: نشر عروج.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۸) ترجمه انصاریان، قم: دارالعرفان، چاپ اول.
- ----- (۱۳۷۶) ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
- واقدی، محمدبن عمر. (بی تا) تاریخ المغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص))، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: پیام نور.